



حزب کمونیست کارگری - حکمیتست

۱۳ اسفند ۱۳۸۹
۴ مارس ۲۰۱۱

خالد حاج محمدی کردستان عراق، آخر گردایتی

امروز دامنه تحرکات انقلابی مصر و تونس و سایر کشورهای خاورمیانه به کل عراق و به کردستان عراق کشیده شده است. اکنون چند هفته است شهرهای کردستان عراق از سلیمانیه، سید سادق، هلیجه، کلار، کفری، رانیه و... شاهد اعتراضات وسیع مردم به دولت خودمختار کردستان (هه ریم) و در دفاع از آزادی و رفاه و آسایش است. نگاهی به این اتفاقات و صف بندی نیروهای سیاسی در دل جدالی که میان حکومت خودمختار کردستان و کارگران و مردم ستمدیده کردستان عراق شکل گرفته است، برای طبقه کارگر آموزنده است.

در این چند هفته دهها هزار نفر در شهرهای مختلف با مطالبات آزادی، آب و برق و کار و بیمه بیکاری، علیه فساد مالی و... به میدان آمده اند. دولت خودمختار کردستان در مقابل به سرکوب خونین مردم پرداخته است. تا کنون، صدها نفر بر اثر یورش وحشیانه نیروهای مسلح دولت خودمختار کردستان (احزاب اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان) زخمی شده اند، تعدادی کشته و صدها نفر نیز دستگیر و روانه زندان شده اند. هفته گذشته در میان تجمع مردم معترض در سلیمانیه بمب صوتی منفجر کردند. در این مدت لشکرکشی

صفحه ۳

حزب حکمیتست حمایت از مبارزات مردم در عراق و در کردستان عراق

چند هفته از خیزش مردم معترض عراق علیه فقر، گرانی، بیکاری و استبداد میگذرد. اینبار مردم نه زیر پرچم ارتجاعی ناسیونالیسم عرب و کرد، یا شیعه و سنی، نه برای احقاق "حقوق ملی"

آذر مدرسی

آنچه از انقلاب مصر و تونس باید آموخت

انقلاب مصر و تونس و تحولات انقلابی در سایر کشورهای عربی مستقل از نتیجه آن تا بحال درسهای زیادی را برای مردم آزادیخواه و طبقه کارگر دارد. درسهای این انقلابات بویژه برای طبقه کارگر و مردم به جان آمده از حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی در ایران ارزشمند است. بویژه با عروج جنبش سبز و متوهم شدن بخش وسیعی از مردم در ایران به این جنبش ضرورت درس گیری از این انقلابات را صد چندان میکند.

عدم توهم مردم انقلابی در مصر و تونس به جابجائی مهره های درونی رژیم، عدم رضایت مردم مصر به رفتن مبارک بعنوان سمبل خفقان و فساد، قبول نکردن ارتش بعنوان ناجی، در خیابان ماندن مردم در مصر و تونس برای تغییر بنیادی و رضایت ندادن به هیچ چیز کمتر از سرنگونی کل سیستم، درسهایی است که

جمال کمانگر

سقوط مبارک، آغاز اعتراضات کارگری در مصر

انقلاب مصر با سقوط مبارک به یکی از مهمترین خواست خود رسیده است. اما خواسته هایی که میلیونها نفر از مردم مصر را با خود به خیابانها آورد تاکنون جواب نگرفته است. این فرار آغاز کشمکش جنبشهایی اجتماعی درگیر در این انقلاب است. و بنا به منفعت میدپا پوشش خبری پیدا میکند. تمرکز روی فعل و انفعالات مبارزاتی درون طبقه کارگر در مصر شورانگیز است. معمولا این

اطلاعیه پایانی پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست

صفحه ۴

کارگران جهان متحد شوید!



خود یا مبارزه علیه اشغالگران، که علیه حکومتهای حاکم در عراق و کردستان و برای رفاه، آزادی و حرمت انسانی خود به میدان آمده اند. مردم علیه حکومتهای فاسدی دست به اعتراض زدند که به یمن حمله نظامی امریکا به عراق و از هم پاشیدن شیرازه جامعه عراق به قدرت رسیده و به نام حکومتهای "منتخب" مردم در عراق و کردستان آن حکومت میکنند.

صفحه ۲

سراسر جهان اعلام کرد. در ایران بورژوازی سلب قدرت شده همصدا با بورژوازی جهانی و با استفاده از تجربه انقلاب سرکوب شده سال ۵۷ اعلام کرد انقلاب و به زیر کشیدن ماشین دولتی راه

به جایی نمیرسد، گفتند که انقلاب پیامدی جز خشونت ندارد، راههای دیگری مانند حمله نظامی، رژیم چینج و انقلابهای نارنجی آلترناتیو "مسالمت آمیز" انقلاب و سرنگونی انقلابی حاکمیت بورژوازی شد. امید به تغییر از راه دخالت نظامی و حمایت سیاسی غرب و در راس آن امریکا را به جای امید به نیرو و قدرت مردم و طبقه کارگر برای سرنگونی انقلابی را در ذهن مردم کاشتند.

کل بورژوازی زخم خورده از انقلاب ۵۷ با همه ابزار و امکانات آن "پوچی" و راهگشا نبودن انقلاب را در بوق و کرنا کرد. تلاش کردند به مردم انقلابی بقبولانند که امید به دگرگونی، امید به یک زندگی کمتر مشقت بار، امید به گشایش فضای سیاسی و فرهنگی و روزنه ای از آزادی نه از راه انقلابی که از

صفحه ۲

دست به اعتصاب نامحدود زدند. کارگران خواهان شرایط بهتر کار، سلامت و امنیت محل کار و بالا بردن دستمزدها تا حد مقامات کانال سوئز هستند



بیش از هر کس مردم و طبقه کارگر ایران که سالها است برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی مبارزه میکنند، باید بیاموزند. مهمترین درس این انقلابات پوچی تزه های "پایان دوره انقلاب"، "انقلاب یعنی خشونت"، تز امید به تغییر از بالا، امید به جنگ جناحهای رژیم برای بهبود در زندگی است. مصر و تونس نشان دادند که تنها راه رسیدن به یک زندگی بهتر سرنگونی انقلابی کل حاکمیت بورژوازی و ماشین دولتی آن است.

پس از شکست بلوک شرق بورژوازی در سراسر جهان یک صدا اعلام کردند که دوره انقلاب از پائین، تلاش برای سرنگونی انقلابی حکومتهای بورژوازی، تمام شده است. بورژوازی جهانی شکست عدالتخواهی و برابری طلبی را در



دوران مهر بیشترین مبارزات و طرح مطالبات طبقه کارگر را بر خود دارد. نگاهی به گوشه ای از مبارزات کارگری که کماکان ادامه دارد. آموزنده است.

۸ فوریه
کارگران ۵ شرکت کانال سوئز، پورت سعید و اسماعلیه که بالغ بر ۶۰۰۰ نفر کارگر دارد بعد از پایان شیفت کاری

۱۲ فوریه
کارگران راه آهن در قاهره دست به اعتراض زدند و خواهان شرایط مناسب کاری و قرارداد ثابت و اضافه دستمزد شدند. در همین روز کارگران صنایع فولاد در حلوان در ۲۰ کیومتری قاهره دست به اعتصاب زدند و خواهان قرار داد ثابت و افزایش دستمزد و شرایط کاری مناسب شدند..

صفحه ۲

برنامه های ۸ مارس روز جهانی زن

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حمایت از مبارزات مردم در...

بود. احزاب و دول حاکم در عراق و کردستان عراق که تردیدی در سرکوب وحشیانه و به خانه فرستادن مردم آزادیخواه ندارند دست به سرکوب مردم به جان آمده از فقر، استبداد، بلاتکلیفی و ناامنی، زدند. سرکوب وحشیانه پلیس و ارتش، به جا گذاشتن ده ها کشته و صدها زخمی و زندانی، یکبار دیگر پوچی این ادعا که دول حاکم در عراق دولتهای "خودی اند" را نشان داد. یکبار دیگر نشان داد حاکمیت بورژوازی تحت هر نام و عنوانی، کرد، عرب، ملی یا مذهبی، حاصلی جز تحمیل فقر و نابرابری، تبعیض و تحقیر زنان و مردان کارگر و مزدبگیران و حقوق بگیران و تهیدستان جامعه، ندارد. به مردم کردستان نشان داد "دولت خودی" و بورژوازی "دوست مردم" توهمی بیش نیست. نشان داد برای رسیدن به هر درجه از رفاه، آزادی و خوشبختی باید به نیروی سازمان یافته و متشکل خود متکی شد، نشان داد امید به تغییر از طریق پارلمانهای پوشالی و دول دست ساز امریکا پوچ است. در این دوره مردم و طبقه کارگر در عراق و کردستان، احزاب کمونیستی کارگری را با پرچم آزادی و برابری نه فقط در کنار خود که در صف مقدم و بعنوان سازمانده این اعتراضات دیدند.

همزمان احزاب و جریانات ناسیونالیست کردستان ایران، از چپ تا راست آن، با حمایت رسمی خود را از احزاب ارتجاعی اعلام کرده اند و با سکوت خود سرکوب وحشیانه مردم را در کردستان عراق تأیید میکنند. حزب حکمتیست ضمن حمایت کامل خود از اعتراضات اخیر در عراق، تلاش میکند در دل این تحولات با تمام نیرو از صف آزادیخواهی و برابری طلبی حمایت و برای به پیروزی رساندن مبارزات مردم تحت این پرچم، دفاع کند. حزب حکمتیست در دل این شرایط از حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان، بعنوان نمایندگان صف آزادیخواهی و برابری طلبی در عراق، قویا حمایت کرده و با تمام نیرو به آنان کمک میکند.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

حزب کمونیست کارگری ایران-
حکمتیست

۲ مارس ۲۰۱۱

آنچه از انقلاب مصر و تونس ...

طریق اصلاحات و دست بدست شدن قدرت درون جناحهای رژیم، با امید بستن به یکی از جناحهای بورژوازی ممکن است. این پروژہ کل بورژوازی و جناحهای در قدرت یا بیرون قدرت در این بود. بیخود نیست بورژوازی در اپوزیسیون از چپ و راست آن، از سلطنت طلبان پرو امریکا تا اکثریت، همیشه در کمپ جنبش اصلاح رژیم از درون بوده اند. اوج این تلاش و موفقیت را در سال ۸۸ و عروج جنبش ارتجاعی سبز میشد دید که مردم به جان آمده از فقر و فلاکت، استبداد و حفقان سیاسی فرهنگی را به امید بهبود در زندگی به سیاهی لشکر یکی از جناحهای رژیم تبدیل کردند.

انقلاب مصر و تونس پوچی و ارتجاعی بودن این تز و این جنبش را بیش از هر چیز نشان داد. مردم مصر و تونس نشان دادند امید به تغییر از بالا پوچ است. نشان دادند هر درجه از تغییر چه در سیاست و چه اقتصاد بدون فشار و خیزش انقلابی مردم و طبقه کارگر در راس آن ممکن نیست. پوچی امید بستن به دخالت سیاسی یا نظامی دول غربی و مهمتر از آن قدرت مردم انقلابی و طبقه کارگر را نشان داد.

انقلاب مصر و تونس و خیزشهای انقلابی در سایر کشورهای عربی در عین حال قابلیت و امکانات بورژوازی را، علاوه بر سرکوب، در عقیم کردن انقلاب نشان داد. ظاهرا تردیدی در این نیست که بورژوازی با انواع ترغیبات، با اتکا به ارتش و ماشین سرکوب خود، با راه انداختن جنگهای قومی و مذهبی یا راه انداختن دسته های مزدور و اوباش انقلابات را سرکوب و جامعه را به سیاهی مطلق میکشد. لیبی اولین و آخرین نمونه قابلیت بکارگیری را به عنوان بورژوازی نیست. کارگران برق و نفت و گاز دست از اما مصر، تونس، اردن، عربستان سعودی و کویت قابلیت های دیگر بورژوازی را نشان میدهند. قابلیت عقیم کردن، سرکوب آرام و خفه کردن انقلاب.

در مصر بورژوازی مصر در هماهنگی و با مشورت با مشاوران نظامی امریکا، که از انقلابات دیگر بویژه انقلاب ۵۷ ایران درس گرفته بودند، تلاش کردند بخش مهمی از دستگاه سرکوب، ارتش، از زیر تیغ انقلاب جان سالم بدر ببرد. نقش میانجیگری که ارتش مصر در انقلاب مصر ایفا کرد برای عقیم کردن این انقلاب و مصون و محفوظ نگاه داشتن مهمترین بخش دستگاه سرکوب برای

جنگ نهائی با مردم بود. این ارتش را امروز مردم انقلابی، کارگران و جوانان به جنگ میطلبند.

تاکتیک دیگر بورژوازی در عقیم کردن انقلاب ریختن پول در جامعه و تخفیف موقت و دوره ای فقر است. اعلام کمک هزینه ماهانه چند هزار دلاری به مردم در کویت و "سختاوندی" شاه عربستان در کمک چند ده بیلیون پوندی به مردم زحمتکش عربستان رشوه ای است که بورژوازی به مردم و طبقه کارگر این کشورها میدهد. در این میان صحبتی از دادن حقی به مردم نیست. قرار نیست بورژوازی هیچ حق پایه ای را به مردم و طبقه کارگر بدهد. از آزادی تشکل، آزادی حق اعتصاب، آزادی بدون قید و شرط سیاسی، آزادی فعالیت احزاب سیاسی یا آزادی بیان خبری نیست. تنها چیزی که هست ریختن پول برای خفه کردن اعتراض است. بورژوازی که بوی خطر انقلاب را کشیده متوجه شده نمیتواند فقر و حفقان را با هم و همطراز به مردم تحمیل کند. پولی که امروز بورژوازی در کشورهای عربی در جامعه میریزند حق السکوتی است به مردم و طبقه کارگر برای قبول استبداد، حفقان و حاکمیت سیاه خود.

انقلاب مردم در مصر و تونس در عین حال نشان داد که بدون مبارزه متشکل و سازمانیافته، سرکوب یا عقیم کردن آن ساده است. درسی که مردم در ایران از اتفاقات سال ۸۸ هم گرفتند. " برای پیروز شدن باید قدرت پیروزی را داشت. برای پیروز شدن باید معنی سرنگونی انقلابی و تفاوت آن با انواع دیگر سرنگونی را دانست. و برای سرنگونی باید سازمان و رهبری داشت. برای پیروزی باید قدرتمندترین نیروی جامعه ایران یعنی طبقه کارگر را به میدان کشید. لحظه ای که کارگران برق و نفت و گاز دست از کار بکشند، ماشین و موتور بسیج و سپاه حرکت نخواهد کرد؛ سیستم، در آستانه سقوط قرار میگردد. کسی که این حقیقت را از چشم جامعه مخفی میکند ناتوان از سرنگونی جمهوری اسلامی است." (سند آنچه باید آموخت)

و بالاخره انقلاب مصر و تونس نشان داد که بدون داشتن پرچم و افق روشن و انقلابی طبقه کارگر بورژوازی نمیتواند نیروی انقلابی مردم و طبقه کارگر را به راحتی به سیاهی لشکر خود تبدیل کند. این کار کمونیستهاست که افق و پرچم سرنگونی انقلابی بورژوازی را به افق و پرچم توده مردم و طبقه کارگر تبدیل کند.

سقوط مبارک،

۱۵ فوریه

از سال ۱۹۵۷ اتحادیه های کارگری تحت کنترل دولت هستند. کارگران با تاسیس اتحادیه مستقل کارگران در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۱ خواهان انحلال و به رسمیت شناختن حق اعتصاب و اتحادیه مستقل کارگری هستند. و این اعتراض بنام اعتصاب برای حق اعتصاب بود. دیگر خواسته کارگران در این روز بهبود شرایط کاری و بالا بردن دستمزدها بود.

۱۶ فوریه

بیش از بیست هزار کارگر در "المحله" در صد کیلومتری قاهره بعد از ۳ روز تعطیلی دست به اعتصاب زدند. این کارگران برای بزرگترین کارخانه ریسندگی و بافندگی مصر کار میکنند که دولتی محسوب میشود. کمال الفیومی گفت: "ما خواهان حداقل دستمزد ماهانه ۱۲۰۰ لیره و اخراج مدیر کارخانه هستیم". وی در ادامه گفت: "ما درهای کارخانه را بسته ایم و در اینجا میمانیم تا خواسته هایمان بر آورد شود."

۲۰ فوریه

کارگران ریسندگی و بافندگی المحله با اعلام پیروزی به اعتصاب خود خاتمه دادند.

اول مارس

کارمندان شرکت بیمه مصر دست به اعتراض زدند و خواهان مبارزه با فساد مالی شدن و با طرح این سؤال میدیا کجاست که اینها را پوشش دهد

۲ مارس

اولین کنفرانس اتحادیه های مستقل کارگری مصر با عنوان کارگران مصر از انقلاب چی میخواهد در ساختمان سندیکای روزنامه نگاران برگزار شد.

اینها گوشه های کوچکی از اعتراضات کارگری است که خواهان آزادی، حق تشکل و اعتصاب و بهبود شرایط زندگی و کار هستند.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کردستان عراق، آخر

بورژوازی کرد است. و این حقیقت کل دیوار توهم به حکومت "خودی" و دولت "خودی" و کارنوال خودفریبی، قوم پرستی و ملت سازی و ملت پرستی با همه تاریخ ناسیونالیسم و وطن پرستی و ریاکاری ناسیونالیسم کرد را پائین میریزد.

اکنون در صف ارتش، نیروهای مسلح، پیشمرگان کرد، مراکز اطلاعاتی و امنیتی، پارلمان کردستان عراق و دولت خودمختار(هه ریم)، شاخه های مختلف ناسیونالیسم کرد از ایران تا سوریه و .. صف بسته اند. دهها حزب و گروه در عراق و کردستان ایران و سوریه در این جدال در دفاع از نیروهای مسلح و دولت خودمختار به صف دولت خودمختار پیوسته اند. همه "حقوق بشریهای" کرد، صف روشنفکران جنبش کردایتی، دموکراسی طلبان کرد، مدعیان "آزاد منشی" مردم کردستان، و حتی جریاناتی که در جنبش کردایتی خود را "چپ" مینامند، در دفاع از حکومت خودمختار، علیه کارگران و مردم ستمدیده کردستان، لباس رزم پوشیده اند. احزاب دمکرات کردستان ایران با شاخه های مختلف آن، شاخه های از کومه له و دهها گروه قومی و ناسیونالیستی به دفاع از حکومت پرداخته اند. این اتفاقات این حقیقت را که جامعه طبقاتی است، و احزاب و جریانات مختلف منافع طبقاتی خود را دنبال میکنند، که "دولت خودی" و "خودمختاری" و "کردایتی" .. اسم رمز سهم خواهی بورژوازی کرد از ثروت جامعه است و دولت کردی علیه طبقه کارگر به همان دشمنی متکی است که همه دولتهای بورژوایی، عیان میکند.

برچم سفید در دست، سکوت پیشه کرده است. اینجا کردستان عراق است، حکومت "کردها" به چالش کشیده شده است، حکومت "خودی" است، اینجا مصر و تونس و الجزیره و لیبی و ... نیست که کومه له در دفاع از مردم معترض بیانه و اطلاعیه صادر کند. اینجا "مصلحت" ایجاب میکند، بر این اتفاقات چشم بست، نادیده گرفت، وظایف انترناسیونالیستی و کمونیستی در مقابل مخاطراتی که جنبش کردایتی را به چالش کشیده است، برای این جریان، پشیزی نمی ارزد. اما برای کارگر و توده ستمدیده، برای طبقه کارگر در ایران و کارگران در کردستان، این موضع آموزنده است. اینجا یک بار دیگر و برای هزارمین بار پرچم "قرمز کمونیسم" حزب کمونیست ایران و کومه له، زمانی که جنبش ناسیونالیسم کرد از جانب کارگران و توده ستمدیده به چالش کشیده میشود، رنگ میبازد. اینجا دیگر هزار مصلحت و هزار توجیه پشتوانه سکوت و چشم بستن کومه له بر کشتار مردم کردستان عراق میشود. اما در ورای توجیهات کومه له، کارگر و مردم آزادیخواه جایگاه واقعی این جریان را و نزدیکی و هم جنبشی آن با ناسیونالیسم کرد را می بینند.

این حقایق برای طبقه کارگر در عراق و ایران، باید یک بار دیگر این حکم مارکسیستی را آموخته باشد، که ناسیونالیسم یک ایدئولوژی بورژوائی و علیه اتحاد و همسرنوشتی و خودآگاهی طبقاتی کارگران است. ناسیونالیسم ایدئولوژی بورژوائی است که به نام منفعت عموم مردم از یک "ملت" و برای فریب طبقه کارگر و گرفتن سهم خود از ثروت و قدرت به میدان می آید. این حقایق بار دیگر اثبات میکند، که پرچم سفید کومه له هر چه باشد و با هر توجیهی باشد، عملاً در خاک پاشیدن

برای سرکوب معترضین، ریودن رهبران و فعالین و نمایندگان مردم، تهدید آزادیخواهان، کمونیستها و فعالین حزب کمونیست کارگری کردستان به دستگیری و زندانی کردن، اعلام حکومت نظامی و راه انداختن نیروهای ویژه برای مقابله با مردم، تنها گوشه هایی از اقدامات حکومت خودمختار کردستان بوده است.

آنچه امروز شاهدیم، ریختن دیوار بلند توهمات به "کردایتی"، به حکومت "خودی" و دولت "ملی" و روشن شدن این حقیقت است که همه اینها توهمی است برای فریب طبقه کارگر و کور کردن چشم آن به حقیقت طبقاتی بودن دنیای امروز. توده های وسیعی که بخش زیادی از آنها زمانی امیدوار بودند که قدرتگیری احزاب ناسیونالیستی کرد، درجه ای از رفاه و آسایش و امنیت را برایشان ببار آورد، امروز شاهد کشتار خود توسط احزاب "خودی" و دولت "کردی" هستند. امروز و بعد از بیست سال حاکمیت احزاب جنبش ناسیونالیسم کرد بر کردستان عراق، شاهدیم که ارتش "خودی"، رهبران و فرماندهان، پارلمان و روشنفکران دولت "خودی" تفنگ بدست، بی رحمانه دست بر ماشه گذاشته اند و برای ساکت کردن اعتراض برحق آنها سنگر بسته اند و دست به کشتار آنها میزنند. امروز و در دل این اتفاقات، شاهد قساوت و بی رحمی این صف علیه کارگران، زنان، جوانان و توده انقلابی مردم کردستان عراق هستیم. آنهایی که در قامت قاتل و شکنجه گر و آدم ربا علیه مردم ایستاده اند، نه صدام حسین و نیروهای دولت بعث، نه مزدوران مسلح دولتهای ترکیه و ایران و سوریه، که حکومت

زمان: جمعه ۴ مارس از ساعت ۶ بعدازظهر

مکان: در محل Husbyträff

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست واحد استکهلم

سازمان رهایی زن- واحد استکهلم

گوتنبرگ

تظاهرات و راهپیمایی

سه شنبه ۸ مارس

ساعت ۶ بعدازظهر Gostav Adolfs Torg

سازمان رهایی زن- واحد گوتنبرگ

برنامه های ۸ مارس روز جهانی زن

کلن

سخنرانی

مبارزات زنان در ایران و فراز و نشیب ها

سخنران: لادن داور

شنبه ۵ مارس از ساعت ۱۸

Alte Feuerwache, Melchior Str. 3-5

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست واحد کلن

استکهلم:

سازمان رهایی زن

اکسیون و راهپیمایی هشتم مارس:

زمان: سه شنبه ۸ مارس، از ساعت ۶ بعدازظهر

مکان: میدان Södermalmstorg

مراسم بزرگداشت و جشن روز جهانی زن



Workers Communist Party of Iran - Hehmetist
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
www.hehmetist.com

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اطلاعیه پایانی پلنوم بیستم

کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری

ایران - حکمتیست

پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب حکمتیست در روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه ۶، ۷ و ۸ اسفند ماه برابر با ۲۶، ۲۷ و ۲۸ فوریه با شرکت اکثریت اعضا و علی البدلهای کمیته مرکزی و هیئتی از حزب کمونیست کارگری کردستان، رفقا شمال علی و عبدالله محمود، برگزار گردید. هیئت حزب کمونیست کارگری عراق بدلیل اوضاع عراق نتوانست در پلنوم حضور یابد.

پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد و بعد از تصویب دستور جلسه رسماً کار خود را شروع کرد.

پلنوم پیش از وارد شدن به دستورات رسمی خود، پیام حزب کمونیست کارگری کردستان را که توسط رفیق عبدالله محمود ارائه شد شنید. رفیق عبدالله محمود در پیام خود به اوضاع منطقه، تأثیرات آن بر عراق و کردستان عراق، نقش و تأثیر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان در این تحولات، جایگاه و اهمیت همکاری سه جانبه احزاب کمونیست کارگری عراق، کردستان و حکمتیست در دل این تحولات، و همچنین اهمیت حزب حکمتیست و نقش و تأثیر آن بر اوضاع ایران، تأکید کرد. پس از این مراسم، پلنوم رسماً شروع به کار، و دستورات زیر را به تصویب رساند.

۱- گزارش

۲- اوضاع سیاسی ایران، جدالها و مصافحهای دوره آتی

۳- تحولات مهم خاورمیانه و دنیای عرب، جایگاه آن و برخورد مارکسیستها

۴- نقد سنت چپ بورژوائی در تشکل یابی کارگران

۵- تشکیلات کردستان و سازمان حزب در کردستان

۶- قرار و قطعنامه ها

۸- انتخابات

در بخش گزارش هیئت دبیران گزارش کتبی از اقدامات و فعالیتهای کمیته های اصلی (کمیته سازمانده، کمیته کردستان، کمیته خارج کشور، کمیته تبلیغات و آموزش) را در اختیار پلنوم قرار داد. رحمان حسین زاده، دبیر

انقلابی در کشورهای مختلف خاورمیانه و شمال آفریقا، پرداختند و نسبت به برخورد مارکسیستی به آن، تأثیرات آن بر جهان و فرجه هائی که ایجاد میکند، جایگاه و نقش طبقه کارگر در این تحولات، تأثیرات این تحولات بر عراق و کردستان عراق و ایران و نقش و تأثیر احزاب کمونیست کارگری عراق، کردستان و حزب حکمتیست، بحث و تبادل نظر کردند. پلنوم کمیته مرکزی بدنبال این بحث، اولویتهائی جدی در دستور رهبری حزب گذاشت، و قرار های لازم را به تصویب رساند.

سپس پلنوم وارد مبحث "نقد سنت چپ بورژوائی در تشکل یابی کارگران"، شد. این بحث از جانب کمیته سازمانده حزب و توسط بهرام مدرسی، اسد گلچینی و اعظم کم گویان، ارائه شد. ارائه دهندگان در این بحث، به جنبه های مختلف سنت چپ بورژوائی در سازماندهی و تشکل یابی کارگری، تشکل های موجود، کار علنی و قانونی ... پرداختند. اعضا پلنوم، در این مبحث نیز با دخالت فعال خود جنبه های مختلف موضوع را مورد بررسی قرار دادند.

دستور بعدی پلنوم، " تشکیلات کردستان و سازمان حزب در کردستان" بود که از جانب هیئت اجرایی کمیته کردستان توسط، عبدالله دارابی، سلام زیجی و رحمت فاتحی، مطرح شد. در این مبحث رفقا به جایگاه تشکیلات کردستان حزب، سازمان حزب در کردستان، تشکیلات شهرهای کردستان، و آرایش مناسب حزب برای جوابگویی به وظایف حزب در کردستان، پرداختند. اعضا کمیته مرکزی در این مبحث نیز، با دخالت فعال خود به جوانب مختلف بحث، آرایش سازمانی حزب در کردستان، و چگونگی جوابگویی به نیازهای حزب در کردستان، شرکت کردند.

در مبحث قرارها و قطعنامه ها، پلنوم به دلیل کمبود وقت، تنها قرارهای فوری را تصویب کرد. و دو قرار،

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۳ تیر ۱۳۸۹ - ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۰

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم

هفتگی
کمونیست